

درس نهم

اغراق، ایهام و ایهام‌تنبات

اغراق در اصطلاح ادبی

اغراق

اغراق در لغت به چه معناست؟

به چه معناست؟

در لغت به معنی سخت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع، زیاده‌روی در توصیف یا مدح یا ذم را گویند؛ چنان که از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز و زیبا باشد. به عبارت دیگر باز نمود دگر گونه مفاهیم و موضوعات سخن است، به صورتی که معانی خرد را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خرد بنماید تا تأثیر سخن را بیشتر کند.

به ابیات زیر توجه نمایید: در ابیات زیر کدام آرایه محسوس حماسه به کار رفته، توضیح دهید

به کردار افسانه از هر کسی	شنیدم همی داستان بسی
به تنها یکی گور بریان کنی	هوا را به شمشیر گریان کنی
برهنه چو تیغ تو بیند عقاب،	نیارد به نخجیر کردن شتاب
نشان کمند تو دارد هژبر	ز بیم سنان تو خون بارد ابر

فردوسی

اغراق

زیاده‌روی در توصیف شجاعت و قدرت رستم از زبان تهمینه، موجب زیبایی آفرینی و موسیقی معنوی در این ابیات شده است؛ به گونه‌ای که این



بزرگ‌نمایی، تصویری زیبا در ذهن شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند و تصویر آفرینی حماسی را در این ابیات به اوج می‌رساند. مناسب‌ترین آرایه حماسه چیست؟ در کدام اثر حماسی بسیار به کار رفته است؟

اغراق مناسب‌ترین آرایه برای تصویر آفرینی در حماسه است؛ بنابراین در شاهنامه و آثار حماسی دیگر از آن بسیار استفاده شده است.

نمونه‌ای دیگر: در مورد اغراق به کار رفته در بیت زیر توضیح دهید

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

سعدی

سعدی با بزرگ‌نمایی در توصیف روز وداع یار، اوج احساسات و عواطف سرشار درونی خود را نشان می‌دهد.

نمونه‌های دیگر: اغراق در کثرت و زیادی فاصله، بیش از حد معمول

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

سلمان هراتی

اغراق در زیبایی چشمان محبوب

می‌شناسمت / چشم‌های تو می‌زبان آفتاب صبح سبز باغ‌هاست / می‌شناسمت. شفیع کدکنی

چو رامین گه‌گهی بنواختی چنگ، ز شادی بر سر اب امدی سنگ

فخرالدین اسعد گرگانی

اغراق در زیبایی چنگ نوازی رامین و بر سر اب آمدن سنگ

ایهام در لغت به چه معناست و در اصطلاح ادبی ایهام به چه می‌گویند؟

ایهام

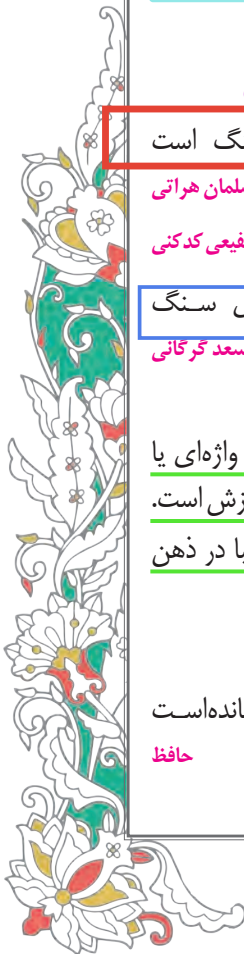
در لغت به معنی در وهم و گمان افکندن است و در اصطلاح بدیع، آوردن واژه‌ای یا عبارتی در سخن با دو یا چند معنا که معمولاً بیت با تمام معانی پذیرفتنی و دارای ارزش است. دریافت هم‌زمان چند معنا از یک واژه یا یک عبارت در کلام، تصویری زیبا در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌کند و سبب زیبایی کلام می‌گردد.

به بیت زیر توجه کنید:

بی‌مهر رخت روز مرا نور نمانده است وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است

حافظ

در بیت ایهام را بیابید و معانی مختلف آن را بنویسید



چه چیزی در
ایهام سبب زیبایی
کلام می شود؟

واژه «مهر» ایهام دارد و در دو معنی به کار رفته است؛ یکی در معنای «محبت» و دوم در معنای «خورشید» و چنانچه مشاهده می شود، بیت با هر دو معنی قابل درک و دریافت است. در ایهام ذهن با اندکی تأمل، هر دو معنی را کشف می کند و همین موضوع سبب زیبایی آفرینی و لذت خواننده می گردد.

نمونه دیگر: ایهام را در بیت زیر بیابید و معانی مختلف را بنویسید

خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش بیست

سعدی

«گلستان» ایهام دارد و دو معنا در ذهن پدید می آورد: یکی «باغ و گلزار» و دیگری «کتاب گلستان».

توجه: زمانی می توانیم آرایه ایهام را دریابیم که با معانی مختلف واژه ها آشنا باشیم.

یا در مثال:

اگر سنت اوست نوآوری، نگاهی هم از نو به سنت کنیم

قیصر امین پور

عبارت «از نو» در دو معنای مجدد و قالب شعر نو آمده است.

چند نمونه: ۱- نام شاعر ۲- موقعیت به دست آوردن

عهد کردی که کشی فرصت خود را روزی فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش مکن

فرصت شیرازی

۱- جمله دعایی از تو دور باشد ۲- به خاطر دوری و فاصله از تو

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است

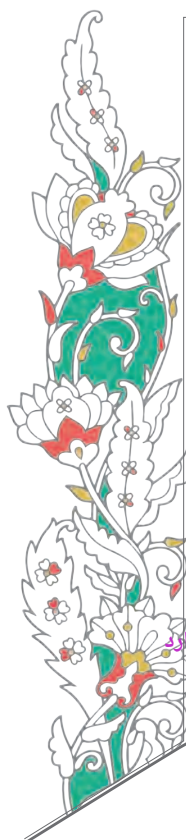
مهرداد اوستا

ایهام تناسب

ایهام تناسب را تعریف کنید

آوردن واژه ای است با دو معنی که یک معنای آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنای دیگر - که مورد نظر نیست - با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد.





به این نمونه توجه کنید:

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

حافظ

«آیت» در این بیت به معنی «نشانه» است؛ معنی دیگر آن «آیه» است که در این معنی با واژه «تفسیر» تناسب دارد. این آرایه شاعرانه را که در آن ذهن به تلاش و تکاپو می‌افتد تا معنی درست واژه را با توجه به مفهوم بیت دریابد، «ایهام تناسب» نامند.

مثال دیگر:

گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

صائب تبریزی

صائب در این بیت «هزار» را در معنای عدد هزار آورده است و در معنای دیگر آن (بلبل) با بلبل، باغ، نغمه و ترانه تناسب دارد.
 ۱- معنی اصلی گوشه ای از موسیقی ایرانی، ۲- و به عنوان اسم با کلمه خسرو تناسب دارد.

یک روز که خسرو زنگ قرآن در شهناز شوری به پا کرده بود، مدیر مدرسه آواز خسرو را شنید.

عبدالحسین وجدانی

۱- معنی اصلی پیر زن سید موی ۲- و در به عنوان اسم یعنی پدر رستم با کلمه رستم تناسب دارد چنان سایه گسترد بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

سعدی

پرستش به مستی است در کیش مهر برون اند زین جرگه هشیارها

علامه طباطبایی

۱- می‌معنی اصلی محبت ۲- و در معنای آیین مهر پرستی با کلمه پرستش تناسب دارد